

پاسخ‌گذاری ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی*

□ شهرداد دارابی^۱

چکیده

توسعه بزهکاری در سطح بین‌المللی و قلمروزدایی از جرایم جهانی شده از یکسو و همگرایی جامعه بشری در ساحت‌های مختلف فرایند جهانی شدن از سوی دیگر، ضرورت نزدیک شدن سیاست جنایی دولت‌ها را در بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری در عرصه ملی و فراملی بیش از پیش نمایان می‌سازد. سیاست جنایی ترکیبی که مبتنی بر فرایند آگاهانه و هدفمند تلفیق متغیرها با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های دولتی - جامعه‌ی ملی و بین‌المللی برای کنترل پدیده جنایی است، در عرصه بین‌المللی نیز به معنای هم‌افزایی متقارن دولت‌ها و جامعه بین‌المللی است که با تصدیق منافع مشترک جامعه جهانی و عدم تمرکز صرف بر پاسخ‌های کیفری و تأکید بر بویایی و تنوع پاسخ‌گذاری و چگونگی پاسخ‌دهی، الگوسازی نوین را در عرصه بین‌المللی نوید می‌دهد. تأکید بر صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به جنایات چهارگانه، تدابیر سازمان ملل متحد در مهندسی

الگوها برای عدالت کیفری و پیشگیری از جرم در چارچوب کنگره‌های پنج‌سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، ارائه اصول راهبر ارشادی - الزامی، شاخصه‌هایی از تلاش متولیان در راستای پاسخ‌گذاری ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی برای تأمین امنیت جهانی است.

واژگان کلیدی: پاسخ‌گذاری ترکیبی، سیاست جنایی بین‌المللی، بزه‌انگاری، امنیت بین‌المللی.

مقدمه

امروزه استحاله حاکمیت مطلق دولت‌ها در مفهوم امنیت جهانی موجب شده است شاخصه‌های مشترک ناشی از زیست جهانی بر ساحت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کشورها سایه افکننده و دولتمردان را به سمت همسویی با اراده و خرد منطقه‌ای و جهانی رهنمون سازد. بر این ابنا، پارادایم بین‌المللی جامعه جهانی امن، کانون توجهات قرار گرفته و موجبات اجماع حداکثری متولیان سیاست جنایی را در قبال پدیده بزهکاری با خصایص بین‌المللی و جهانی فراهم ساخته است.

روشن است که دامنه و جغرافیای جرایم نیز در آغاز سده بیست و یکم به وسعت جهانی گسترش یافته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۶). از این رو، جرایم در شکل‌های نوینی ظهور یافته‌اند. در واقع، رویارویی قاطبه کشورها با جرایم تروریستی، ریزومیک شدن جرایم، جرایم سازمان‌یافته ملی و فراملی و جهانی شدن بزهکاری، منجر به پویایی بیش از پیش الگوهای سیاست جنایی داخلی در انطباق با موقعیت‌های حادث فراروی کشورها شده است.

بی‌شک پاسخ به جرم، موضوعی انسانی است که دارای ابعاد مختلف در قلمروهای ملی و بین‌المللی می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۹: ۱۱). در جامعه بین‌المللی نیز همانند سایر جوامع، کنشگران متعددی وجود دارند که می‌توانند قواعد حاکم بر جامعه را تنظیم و تسبیق نمایند. دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، شرکت‌های فراملی، نهضت‌ها و... در تلاش هستند تا قواعد ناظر بر جامعه بین‌المللی را به نفع خود تغییر دهند.

در سال‌های اخیر، شاهد ابتکارهای منطقه‌ای و جهانی متمایل به تقویت همکاری

بین دولت‌ها در زمینه کنترل جرم هستیم که هدف آن‌ها، هماهنگ‌سازی و همگرایی مداخله پیشگیرانه و سرکوبگرانه در برابر بعضی جرایم است (دولاکواستا، ۱۳۹۵: ۶۷۵). از این رو، صیانت از ارزش‌های مشترک جامعه بین‌المللی، مستلزم تولد و شکل‌گیری مقررات لازم‌الاتباع فراملی و به کارگیری مساعی و هم‌افزایی همه دولت‌ها در راستای هماهنگ‌سازی و نزدیک‌سازی سیاست‌گذاری جنایی است؛ آن‌چنان که زیست امن جامعه بین‌المللی، منوط به تنظیم و تدوین سیاست جنایی بین‌المللی جهت مهار پدیده بزهکاری در سطح جهانی است. بنابراین به رغم تفاوت نسبی مقررات داخلی دولت‌ها، قرابت، سازگاری و تکوین تدریجی بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری در عرصه بین‌المللی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

تحوالات و مداخلات نهادهای مختلف سازمان ملل متحد از جمله شورای امنیت و پذیرش نوعی نقش قضایی برای آن در جریان تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و ظهور ادبیات کیفری - جرم‌شناختی داخلی در متون اساسنامه‌ها و مقررات آیین دادرسی و ادله محاکم بین‌المللی، نشانگر ترسیم تدریجی مختصات یک سیاست جنایی بین‌المللی است (رضوی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۷۲). بدین سان در تناظر با سیاست جنایی داخلی که متضمن بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری پدیده بزهکاری در کشورهاست، علت‌شناسی جرایم بین‌المللی و مهندسی راهبردهای پیشگیرانه بین‌المللی در کنار سازوکارهای حقوقی متوازن دولت‌ها، زمینه‌های روی‌آوری به سیاست‌گذاری جنایی ترکیبی در عرصه بین‌المللی بوده است. سیاست جنایی بین‌المللی شامل هنجارگذاری و اتخاذ پاسخ‌های کنشی یا واکنشی در قبال بزهکاری بین‌المللی خواهد بود. بی‌تردید این مهم منبعث از راهبرد مطلوب سازمان ملل متحد در پاسخ‌گذاری در قبال بزهکاری است و تنوع پاسخ‌ها، توسعه و تکثر ابزارها را در قلمرو سیاست جنایی دولت‌های عضو در بر داشته است.

در این میان، سیاست جنایی ترکیبی به معنای استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و جامعه‌ای ملی و بین‌المللی برای کنترل اجتماعی بزهکاری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۵، ۴۷۴). عدم تمرکز بر پاسخ‌های کیفری بین‌المللی و تأکید بر پویایی و تکثر پاسخ‌های اتخاذی از جانب متولیان سیاست جنایی بین‌المللی با استفاده از راهبرد ترکیبی، پهنه بزه‌انگاری، پاسخ‌گذاری و فرایند دادرسی را به بدیل‌های تلفیقی رهنمون ساخته و

الگویی جامع را در سیاست جنایی بین‌المللی ارائه می‌نماید.^۱ از این رو، پاسخ‌گذاری در اسناد بین‌المللی، مراجع قضایی و در حوزه اجرایی سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی، با تأکید بر نقش محوری سازمان ملل متحد و هم‌افزایی دیگر سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی تلاش می‌نماید تا دولت‌های عضو با تأثیرپذیری از اصول راهبر، اسناد الزام‌آور و ارشادی، نسبت به تنظیم، تدوین، ارزیابی و هماهنگ‌سازی ابزارهای اقماعی و اجباری خود در مقابله با پدیده بزهکاری اقدام نموده و با بهبود نظام پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان معمول در کشورها، جلوگیری از بی‌کیفرمانی و پیشگیری از نقض اصول و هنجارهای جامعه بین‌المللی توسط کشورهای عضو را رقم زنند.

بر این اساس، تلاش شد تا به گونه‌شناسی انواع پاسخ‌های ممکن کنشی - واکنشی به جرم و تنوع گسترده این پاسخ‌ها در سطح بین‌المللی (زادخانه پاسخ‌شناسی بین‌المللی) پرداخته شود. لذا مطالعه راهبرد ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی، ضرورت نگارش این نوشتار بوده است. پرسش اساسی آن است که مهم‌ترین سازوکارهای پاسخ‌گذاری ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش با رعایت روش توصیفی - تحلیلی در گفتار اول، پاسخ‌های کنشی در سیاست جنایی بین‌المللی، و در گفتار دوم، پاسخ‌های واکنشی در سیاست جنایی بین‌المللی بررسی می‌شود.

۱. پاسخ‌های کنشی

امروزه برقراری و ثبات امنیت داخلی و بین‌المللی منوط به هماهنگ شدن حداکثری سیاست جنایی دولت‌ها با یکدیگر و تعامل بیش از پیش متولیان سیاست جنایی بین‌المللی در پرتو تعهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است که در ساحت‌های هنجارگذاری و پاسخ‌گذاری فراملی عینیت می‌یابد.

بی‌شک در برابر تهدیدهای مجرمانه بین‌المللی، راهکارهای جهانی شده سیاست

۱. بدین‌سان، متغیرهای متعدد در پهنه سیاست جنایی داخلی، قابلیت جمع هدفمند را دارند، همان‌گونه که بدیل‌های رابطه جرم و پاسخ‌های دولتی در راهبرد ترکیبی می‌تواند پاسخ‌های اداری - انضباطی، صنفی یا اجتماعی باشد (دارابی، ۱۴۰۱: ۱۳۳).

جنایی ضروری می‌نماید (همو، ۱۳۹۹: ۷۳). بر این ابتن، حمایت از حیثیت و منزلت انسانی و التزام دولت‌ها به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه کرامت‌مدار با تفوق اقدامات توان‌افزای کنشی حقوق بشرمدار نسبت به تدابیر توان‌گیر تدافعی یا واکنشی در سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی، جنبه و جلوه عملی می‌یابد.

مطالعات بین‌المللی، مبین رویه‌های مختلف در پاسخ‌گذاری نسبت به بزهکاری با اهداف یکسان است (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۹). بدین‌سان، اگرچه پارادایم آزادی، برابری و قدرت، تعیین‌کننده الگوی غالب سیاست جنایی دولت‌ها قلمداد می‌شوند، اما سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی با تکرر بزه‌انگاری اعم از جرم‌انگاری، تخلف‌انگاری از یکسو، و تنوع پاسخ‌گذاری و آیین دادرسی از سوی دیگر، تجمیع مطلوب متغیرها و نوسانات پیش‌بینی‌شده در سیاست جنایی کشورها را با تأسی از سیاست جنایی بین‌المللی ترسیم می‌نماید؛ آن‌چنان که موجبات فرایند‌گذار از پاسخ‌های کیفری صرف را تسریع نموده و موجبات استحاله آن را در هماهنگ‌سازی راهبردهای پیشگیرانه و توسعه پاسخ‌هایی با ماهیت دیگر تسهیل می‌نماید.

همان‌گونه که حقوق به عنوان یک رشته مطالعاتی، با اخلاقیات، عرف، آموزه‌های علمی و ماهیت نظام سیاسی هر جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد و به نوعی ارزش‌های اساسی هر جامعه محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۴)، سامانه پاسخ‌دهی سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی نیز مشتمل بر تدابیر پیشگیرانه و سرکوبگرانه است که در عین پاسداشت تکثرگرایی حقوقی کشورها، اصول مشترک پاسخ‌گذاری ترکیبی را بدون انحصار در حقوق کیفری بین‌المللی، در راستای همگرایی حداکثری دولت‌ها استوار می‌نماید؛ آن‌چنان که در راستای تأمین امنیت بین‌المللی و برای تضمین حق‌ها و آزادی‌های افراد، هنجارمندی تدابیر پیشگیرانه و تنوع پاسخ‌های واکنشی را از طریق مراجع و نهادهای بین‌المللی سامان می‌بخشد.

بی‌تردید، پاسخ‌گذاری در سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی به معنای تحدید اختیارات دولت‌ها در پاسخ‌دهی به بزهکاری نخواهد بود، بلکه تأثیرپذیری متولیان سیاست جنایی کشورها به ویژه در دولت‌های مردم‌سالار از سیاست جنایی ترکیبی بین‌المللی که منبعث از یافته‌های علوم جنایی تجربی ملی و فراملی در چارچوب حقوق بشر است، می‌تواند

در عمق بخشی به موفقیت پاسخ‌های ترکیبی کنشی و واکنشی در ساحت بین‌المللی بیش از پیش مؤثر باشد.

با این همه، تعیین اولویت‌ها، اثربخشی و میزان تحقق اهداف در پاسخ‌گذاری کنشی در سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی، مستلزم مطالعه پاسخ‌های کنشی توان‌افزا و توان‌گیر در عرصه فراملی است.

۱-۱. پاسخ‌های کنشی توان‌افزا

روشن است که برای مقابله با جرایم جهانی، تدابیر و اقدامات پیش‌بینی شده توسط دولت‌ها در سیاست جنایی ملی کافی نیست و صیانت از صلح و امنیت بین‌الملل، مستلزم افزایش تعاملات منطقه‌ای و جهانی میان دولت‌های مختلف و نهادهای فراملی در پرتو ترکیب راهبردهای مختلف بین‌المللی است. بر این اساس، مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد در راستای ایجاد ثبات و آسایشی که برای تأمین روابط مودت‌آمیز بین‌الملل لازم است، کشورها را بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق آن‌ها و حق اقوام در تعیین آزادانه سرنوشت خود و جهت ایجاد موجبات ترقی و توسعه امور اقتصادی، اجتماعی و حل مسائل بین‌المللی، به همکاری با سازمان ملل متحد تشویق نموده است.

تأسی از اصل مداخله کمینه‌ای حقوق کیفری مبنی بر تعیین قلمرو حقوق کیفری و سطح مجاز مداخله آن به عنوان شدیدترین نوع مداخله (غلامی، ۱۳۹۶: ۱۵)، تأمین امنیت جهانی را نخست از رهگذر پیشگیری و سپس اقدامات واکنشی مطالعه می‌کند؛ آن‌چنان که سیاست جنایی مشارکتی سازمان ملل نیز جایگاه مهمی را برای مشارکت مردم و نهادهای مردمی در پیشگیری مشارکتی اختصاص داده است (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). بر این اساس، تضمینات حقوق بشری که در حمایت‌های سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی در قوانین داخلی تجلی یافته و تابعی از نظام‌های سیاسی حاکم، روابط بین‌المللی دولت‌ها و میزان نهادینگی دموکراسی در کشورهاست، اهرمی بازدارنده جهت جلوگیری از خودکامگی دولتمردان در حوزه تدابیر کنشی در برابر جرم است.

به عبارت دیگر، تعهد دولت‌ها به مبارزه با جرم و پیشگیری از آن در چارچوب منشور بین‌المللی حقوق بشر معنا می‌یابد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). تأکید بر ایجاد و قبول تعهدات پیشگیرانه برای دولت‌ها به منظور پیشگیری از نقض حق‌های بشر با مروری بر دستور کار کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به خوبی قابل رؤیت است (بارانی، ۱۳۹۳: ۴۴). راهبرد کنشی در سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی به دنبال همکاری و مساعدت منسجم و بلندمدت کشورها، با اولویت کنش بر واکنش و بهره‌مندی از طیف وسیعی از اقدامات توان‌افزای جامعه‌مدار و یا حسب مورد، تدابیر توان‌گیر موقعیت‌مدار برای کشورها خواهد بود.

بدین‌سان تلاش‌های بین‌المللی، متوجه تنظیم، تصویب و نشر مفاهیم مشترک و شناخته‌شده جهانی در زمینه حقوق انسان‌ها و لزوم رعایت آن‌ها به صورت سندی بین‌المللی است که در بردارنده ایجاد سازوکارهایی برای تضمین اجرای این مفاهیم و موازین در قالب حقوق پیشگیری از جرم بوده است.

از زمان تأسیس سازمان ملل متحد تا کنون، اسناد متعدد حقوق بشری تحت عناوین اعلامیه، توصیه‌نامه، قطعنامه، کنوانسیون یا معاهده به عنوان اسناد بین‌المللی الزام‌آور و ارشادی که ترکیبی از آموزه‌های رشته‌های مختلف علمی، مشارکت بخش‌های متعدد، همکاری‌های جدی گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی با متولیان حاکمیت و بین‌المللی بوده است، با تأکید بر «پیشگیری عادلانه» مطمح نظر قرار گرفته است؛ برای نمونه، در بند ۸ قطعنامه سازمان ملل ۱۹۹۶ در خصوص راهکارهایی برای پیشگیری از جرم به توسعه اجتماعی و اقتصادی تصریح شده است:

«ملاحظات پیشگیری از جرم باید در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط، از جمله برنامه‌های مربوط به اشتغال، آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن و برنامه‌ریزی شهری، فقر، حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی لحاظ شده و تأکید ویژه روی اجتماعات، خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان در معرض خطر انجام گیرد».

در اصول راهنمای سازمان ملل متحد (ریاض ۱۹۹۵) در زمینه پیشگیری با تأکید بر مرتفع نمودن عوامل موجد جرم و بهره‌مندی از تدابیر حمایتی و توان‌افزا

تصریح شده است.^۱

در کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا نیز مواد ۵ تا ۱۳ این کنوانسیون به موضوع پیشگیری اختصاص یافته‌اند؛ یعنی قبل از آنکه کنوانسیون از ماده ۱۴ به بعد، عنوان مجرمانه را نام ببرد و پیش از آنکه سیاهه جرایم مشمول عنوان فساد را احصا نماید، ابتدا تدابیر پیشگیرانه را مطرح نموده که این مهم، واجد پیام تقدم پیشگیری بر مجازات در حوزه مبارزه با فساد برای دولت‌ها در سیاست جنایی بین‌المللی است.

اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر حالت الزام‌آور نداشته است، اما با پیش‌بینی گزیده‌ای از حقوق انسان‌ها و جنبه‌های مختلف آن موجب شده است که از ارزش و اعتبار نسبتاً معتابهی برخوردار باشد. مذاقه در این اعلامیه مبین آن است که سه مؤلفه حیثیت ذاتی، کرامت انسانی و حقوق فردی اشخاص در آن تبلور یافته است. حق آزادی تفکر و اجرای مراسم مذهبی، حق بهره‌مندی از امنیت اجتماعی، حق اشتغال و برخورداری از دستمزد عادلانه، حق برخورداری از سطح زندگی قابل قبول و تأمین اجتماعی در کنار برخورداری از آموزش و پرورش و دیگر حق‌های بشری، مصادیقی حمایتی است که نقش مؤثری در پیشگیری از جرایم دارد.

بی‌تردید، راهبرد ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی، اجرای یک برنامه واحد پیشگیری از جرم را در تمام مناطق جهان دنبال نمی‌کند؛ بلکه شناسایی و نهادینه‌سازی توصیه‌های اسناد بین‌المللی را در قوانین و مقررات پیشگیرانه کشورها نوید می‌دهد.

۱. بر این ابنا، دولت‌ها باید مقررات مربوط به فرصت‌های تحصیلی و نیازهای متنوع جوانان را مدنظر قرار داده و شاخصه‌های حمایتی را برای صیانت از پیشرفت نوجوانان و جوانان به ویژه آن‌هایی که در معرض خطر اجتماعی بوده و نیازمند مراقبت ویژه و حمایت هستند، در نظر بگیرند. در مواد ۱۰ و ۱۱ آن به فرایند اجتماعی شدن و ضرورت استفاده از راهبردهای پیشگیری اجتماعی و سازگاری اطفال از طریق خانواده، جامعه و مدارس از یکسو، و ارتقای رفاه خانواده‌ها با رفع نیازهای آنان از سوی دیگر تأکید شده است. افزون بر این در ماده ۳ اعلامیه مبارزه با خشونت علیه زنان سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳، به حقوق زنان مبنی بر بهره‌مندی و حمایت از کلیه حقوق و آزادی‌های بنیادین در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی به شرح حق حیات، حق بهره‌مندی از مساوات و برابری، حق حمایت برابر به موجب قانون، حق آزاد بودن از کلیه اشکال تبعیض، حق بهره‌مندی از بالاترین استاندارد ممکن بهداشت جسمی و روانی، حق بهره‌مندی از شرایط عادلانه و مناصب کاری، و حق مصونیت از شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های غیر انسانی یا تحقیرکننده تصریح شده است.

بنابراین بررسی علمی پدیده مجرمانه در سطح بین المللی و اتخاذ تدابیر کنشی فراملی برای پیشگیری از جرائمی که مرزهای ملی را درنوردیده و به یک معضل جهانی تبدیل شده اند، اولویت می یابد (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). لذا سیاست جنایی ترکیبی بین المللی به دنبال ارائه راهکارهای مشترک و ایجاد زمینه های ظهور همگرایی و قرابت جهانی در سطح جوامع است. با این همه، اگرچه سیاست جنایی بین المللی ترکیبی بر پایه متنوع نمودن رویه ها و اقدامات عملی با تأکید بر کنش های حمایت گرایانه، خط مشی کلی و اصول برنامه های خود را از رهگذر پیشگیری عادلانه و کرامت مدار نشر و بسط می دهد، اما در کنار پاسخ های کنشی حمایتی، پاسخ های تحدیدگر نیز در سیاست جنایی بین المللی ترکیبی، واجد اهمیت است که بررسی می شود.

۲-۱. پاسخ های کنشی توان گیر

از آنجا که گستره رفتارهای خلاف هنجار، واجد طیف متنوعی است، هنگامی که الزام های اجتماعی به هنجار قانونی تبدیل نشده اند، با پاسخ های جامعی مواجه می شوند و اگرچه دولت ها به طور غیر مستقیم با کنترل سازمان های مردم نهاد، انجمن ها و مجامع از طریق شناسایی منفعت عمومی و صدور جواز تأسیس آن ها، کنترل قواعد و مقررات صنفی - اداری آن ها، تعامل و اثرگذاری متقابل را ایجاد می نمایند، اما تا زمانی که کزروی ها به مرحله ضمانت اجراگذاری نرسند، دولت ها تنوع رفتارها را تحمل می نمایند.

با این همه، هنجارگذاری و ساماندهی به مقوله بزهکاری در سیاست جنایی داخلی کشورها، منبعث از بافت سیاسی حاکم و مبین اهداف و نتایج مورد انتظار از اجرای آن خواهد بود. اما روشن است که در سده معاصر، تحولات جرم شناختی درباره زمینه ها و پدیده های مجرمانه، به همراه ایجاد محیط های امن برای تبهکاران، فرصت های جدیدی را برای آن ها در بر داشته است. این امر، نقش بسزایی در شکل گیری و تغلیب تدابیر تدافعی موقعیت مدار با تأکید بر دفع خطر ارتکاب جرم از طریق مداخله در موقعیت های بلاواسطه با جرم داشته و همگرایی کشورها را در اتخاذ سازوکارهای منسجم نظام بین المللی در بر داشته است.

برای نمونه، رویکرد مدیریت ریسک در خصوص جرایم فراملی، به ویژه جرایم مالی - اقتصادی، مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفته است (شاملو و خلیلی پاجی، ۱۳۹۹: ۱۲۹). همچنین در راستای سالم‌سازی نظام اقتصادی دولت‌ها، وجود شفافیت مالی از اهمیت بسزایی برخوردار است که منجر به شکل‌گیری سازمان بین‌المللی شفافیت^۱ به عنوان متولی امر مبارزه با فساد شده است. افزون بر این، بند ۴ ماده ۷ و ماده ۱۲ کنوانسیون ملل متحد علیه فساد مالی، وضع مقررات و آیین‌نامه را جهت جلوگیری از تضاد منافع و تقویت سازوکارها جهت هر چه شفاف‌تر شدن و جلوگیری از تضاد منافع ترغیب می‌نماید. در کنوانسیون منع تروریسم هسته‌ای مصوب ۲۰۰۵ در راستای پیشگیری از حملات تروریستی و محافظت از تأسیسات هسته‌ای، شاخصه‌هایی همچون ردیابی و کشف سلاح‌های هسته‌ای، محافظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای، کنترل مرزها و کنترل مواد مدنظر قرار گرفته است.

همچنان که برابر ماده ۱۷ کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از زنان ۱۹۴۹ طرف‌های کنوانسیون متعهد شده‌اند:

- ۱- مقررات لازم را برای حفاظت از مهاجران به داخل یا خارج به ویژه زنان و کودکان در محل مقصد، عزیمت و در مسیر راه وضع کنند؛
- ۲- تبلیغات مناسب را جهت هشدار به عموم مردم در معرض خطرهای قاچاق ترتیب دهند؛
- ۳- تدابیر مقتضی را برای تضمین نظارت بر ایستگاه‌های راه‌آهن، فرودگاه‌ها، بندر و مسیر راه و دیگر اماکن عمومی جهت پیشگیری از قاچاق بین‌المللی اشخاص به منظور جلوگیری از ورود ایشان به فحشا اتخاذ نمایند.

همچنین اجرای راهبرد ده‌گانه پیشگیری از جرم در سائوپائولوی برزیل که در سند مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم مونترال کانادا در سال ۲۰۰۸ مورد تصریح و تصدیق قرار گرفته است، به الگویی مفید و کارآمد در حوزه پیشگیری از جرم با تأکید بر تقویت آماج، مراقبت و جامعه تحت کنترل تبدیل شده است:

- ۱- ایجاد تشکیلات جدید در شهرداری جهت اشراف به امنیت عمومی و اجتماعی

1. Transparency international organization.

در مناطق جرم خیز؛

۲- هماهنگی نیروهای انتظامی در شهر (مأموران نظامی، شهرداری و نیروهای غیر نظامی مردمی)؛

۳- وضع مقررات جدید مبنی بر تعطیلی همه مراکز فروش مشروبات الکلی از ساعت ۱۱ شب تا ۶ صبح؛

۴- تشکیل انجمن فعال وابسته به شهرداری در راستای پیشگیری از جرم و تأمین امنیت؛

۵- افزایش هفتاد درصدی نیروهای پلیس شهری و ایجاد پلیس محلی؛

۶- راه اندازی طرح های جذب و آموزش نوجوانان (به عنوان بزه دیدگان بالقوه)؛

۷- طراحی محیطی و اجتماعی جهت احداث مجتمع های مسکونی ضد سرقت؛

۸- نصب دوربین های مراقبتی؛

۹- پایش، نظارت، بازدیدهای مرتب و اجرای قانون؛

۱۰- راه اندازی سه پویش بزرگ شامل:

الف) پویش وضع قانون خلع سلاح های جنگی؛

ب) پویش جمع آوری سلاح های اسباب بازی (شبه سلاح واقعی) از میان اطفال؛

ج) پویش آگاهی رسانی پیرامون آثار مصرف الکل و مواد مخدر (شاه، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

روشن است که اقدامات موقعیت مدار به علت شناسی جرم و مطالعه عوامل بزهکاری از منظر مشکلات اجتماعی، اقتصادی توجهی نداشته و صرفاً به دنبال اتخاذ اقداماتی است که در تصمیم بزهکاران بالقوه تأثیر گذاشته و در شرایط مادی و فیزیکی ماقبل ارتکاب جرم مؤثر واقع شود و به موجب توسعه شبکه نظارتی و افزایش محدودیت ها، با کاهش برخی حقوق و آزادی های شهروندان همراه خواهد بود. اما تغییر الگوی بزهکاری و پیدایش جرایم نوین، متولیان سیاست جنایی بین المللی را به سمت و سوی مهندسی این قسم از پیشگیری رهنمون ساخته است.^۱

۱. افزون بر این، منشور اروپایی اخلاق حرفه ای در زمینه استفاده از هوش مصنوعی در نظام قضایی مصوب ۲۰۱۸ که جنبه ارشادی دارد و رهنمودهایی به کنشگران دولتی و خصوصی متصدی طراحی، توسعه و به کارگیری هوش مصنوعی ارائه می دهد، اصول پنج گانه رعایت حقوق بنیادین، شفافیت، مدیریت هوش مصنوعی توسط استفاده کننده، عدم تبعیض و امنیت را معرفی می نماید (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۴۵).

به هر رو، دولت‌ها در عرصه داخلی، نقض ارزش‌های هنجارگذاری شده را که منبعث از مفاد قانون اساسی، فرهنگ، واقعیت‌های اجتماعی و نظم عمومی آن کشور است، جرم‌انگاری نموده و برای حمایت از ارزش‌های برتر جامعه، از کیفرگذاری به‌عنوان آخرین حربه استفاده می‌کنند. پاسخ‌های واکنشی در سیاست جنایی ترکیبی بین‌المللی معمولاً تابع برهم‌کنش مقنن داخلی و متولیان سیاست جنایی بین‌المللی است که جامعه جهانی نظام‌های داخلی را به پذیرش هنجارهای فراملی حقوق بشری رهنمون می‌سازد.

۲. پاسخ‌های واکنشی

نقض هنجارهای بین‌المللی همواره و در ابتدا با پاسخ‌های توان‌گیر کیفری همراه نیست و معمولاً سازمان ملل متحد و نهادهای متولی با اتخاذ پاسخ‌های ملایم‌تر سعی در همراه نمودن کشور متخطی دارند. این امر با استنباط از آنچه که به عنوان تخلف به ذهن متبادر می‌شود، قابل استنباط است؛ اگرچه استعمال این لفظ در معنای بزه‌انگاری آن نیز مصطلح است. در این راستا، نگارنده با امعان‌نظر به رویه حاکم در عرصه بین‌المللی پاسخ‌های انتظامی ترکیبی نسبت به کشورهای ناهمسو با جامعه ملل را در قالب واکنش‌های انتظامی و با رویکرد موسع قلمداد نموده است و از آنجا که عرصه حقوق بین‌الملل، غالباً از حیث جرم‌انگاری و کیفرگذاری بیشتر تابع عرف بین‌الملل بوده است (رضوی‌فرد، ۱۳۹۲: ۶۳۰)، بنابراین دولت‌ها به عنوان متولیان سیاست جنایی بین‌المللی در حوزه تخلفات، با تاب‌آوری بیشتری با کشور متخلف مواجه می‌شوند و با صدور بیانیه یا قطعنامه در راستای تقبیح و سرزنش دولت مربوطه برمی‌آیند.

باید اذعان داشت که امروزه با اتکا به تبدیل اصول، قواعد و معیارهای حقوق بشر به قواعد آمره و عرف بین‌المللی، موجبات تغییرات بنیادین در این نظریه که حقوق بین‌الملل مبتنی بر اراده تابعان خود است، فراهم شده است (زینالی، ۱۳۹۴: ۴۶۷)؛ آن‌چنان که زمینه الزام‌های مادی و معنوی دولت‌ها را در جهت صیانت از نظم و عدالت جامعه جهانی در راستای شکل‌گیری یک حقوق کیفری انسان‌مدار با جرم‌انگاری در سیاست جنایی ترکیبی بین‌المللی رقم زده است.

از آنجا که جهانی شدن، قلمروهای نوینی را برای بزهکاران فراهم نموده و روش های ارتکاب جرایم را متحول ساخته است (Keenan, 2006: 507)، عناوین مجرمانه سنتی نیز جلوه جدیدی به خود گرفته اند. نفی نگاه منطقه ای به مقوله بزهکاری با ریزومیک شدن جرایم و گسترش سیال، متکثر، نامکانی و زنجیره ای شدن جرایم انفرادی یا سازمان یافته بین المللی با امعان نظر به وابستگی فزاینده انسان ها به فناوری های اطلاعاتی متأثر از فضای سایبری، نظریه کانون جرم را در اقصی نقاط دنیا به محاق برده است.^۱

افزون بر این، دیگر صرفاً دولت ها منشأ تهدید تلقی نمی شوند، بلکه ممکن است کل جامعه بشری اعم از افراد، نهادهای بین الملل و دولت ها سبب بروز تهدیدات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست محیطی تلقی شوند (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۷). لذا جرم انگاری در سیاست جنایی ترکیبی بین المللی نه تنها مانع مداخلات مشروع و سازمان یافته بین المللی نیست، بلکه به منزله برقراری صیانت از حاکمیت ملی و نظم عمومی کشورها قلمداد می شود. این مهم، بایستگی سیاست جنایی بین المللی را در راهبرد ترکیبی بزه انگاری جرایم بین المللی سامان می بخشد.

بر این اساس، رسالت اصلی حقوق بین الملل کیفری به عنوان بازوی مسلح نظام حقوقی بین المللی، مجازات اشخاصی است که نظم عمومی بین المللی را مختل می کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۱۷۱). با این وصف، فراز ششم دیباچه اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در راستای جلوگیری از بی کیفرمانی، دولت ها را مکلف به اعمال صلاحیت کیفری نسبت به مرتکبان جنایات بین المللی چهارگانه، اعم از نسل زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز دانسته و دیوان را مکمل محاکم کیفری ملی خوانده است.

آن چنان که جامعه بین المللی در سال های اخیر، در کنار تجربه ایجاد دادگاه های کیفری بین المللی موقت و دیوان کیفری بین المللی، تجربه تشکیل دادگاه های کیفری مختلط یا بین المللی شده مانند دادگاه سیرالئون، دادگاه کامبوج و کمیسیون های حقیقت یاب و

۱. تلفیق زندگی مدرن امروزی با ریزومیک شدن جرایم در فضای سایبر می تواند هر یک از افراد جامعه را در سراسر جهان در معرض بزهکاری یا بزه دیدگی قرار دهد؛ آن چنان که منجر به پیدایش مفهوم جرائم یقه مجازی و بزهکاران یقه مجازی شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۶).

آشتی را نیز در کارنامه خود دارد (همو، ۱۳۹۷ الف: ۲۶). بدین‌سان، همان‌گونه که سیاست جنایی ترکیبی در عرصه ملی به دنبال علت‌شناسی مظاهر بزهکاری و تفویض برخی وظایف حقوق کیفری رسمی به دیگر رشته‌های حقوق از جمله حقوق اداری، مدنی، صنفی با پاسخ‌های غیر سرکوبگر و قضایی است، در عرصه بین‌المللی نیز راهبرد ترکیبی متضمن مطالعه عوامل موجد جنایات بین‌المللی و اتخاذ طیفی از پاسخ‌های داخلی و بین‌المللی نسبت به جنایات بین‌المللی در پرتو رویکردهای جرم‌شناختی است.

مجازات کردن مجرمان بین‌المللی، مبتنی بر این انگاره است که مجازات به‌خودی‌خود سنجه است و همین که در برابر چنین جرمی، مجازاتی صورت می‌گیرد، به معنای اجرای تعهد ناظر به لزوم مجازات نمودن مجرمان جرایم بین‌المللی است (رضوی‌فرد و فرجی، ۱۳۹۶: ۱۳) و از آنجا که با ورود یک عنصر فراملی به حوزه بزهکاری، چالش‌های متعددی از قبیل تعارض در صلاحیت رسیدگی، آثار ناشی از احکام دادگاه‌های بیگانه، استرداد، نیابت قضایی بین‌الملل و... به ذهن متبادر شود، بنابراین هم‌افزایی متولیان نظام عدالت کیفری دولت‌ها با پاسداشت حق حاکمیت آن‌ها جهت فراهم نمودن مقدمات تعقیب و مجازات مجرمان بین‌المللی از یکسو و اجرای عدالت و امنیت جامعه بین‌الملل با تأکید بر ظرفیت دیوان بین‌المللی کیفری مبنی بر بزه‌انگاری و کیفرگذاری از سوی دیگر، رهاورد ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی است.

با این همه، اگرچه مقررات حقوق کیفری اختصاصی بین‌المللی در گذار از حقوق کیفری داخلی به سوی سیاست جنایی بین‌المللی فراگیر و جنبشی پویا جهت جهانی شدن حقوق کیفری رهنمون شده است، اما تنظیم پاسخ‌های واکنشی ترکیبی در سیاست جنایی بین‌الملل همواره مطمح‌نظر است.

۱-۲. پاسخ‌های کیفری - ترمیمی

بی‌تردید پاسخ به مقوله بزهکاری، موضوعی انسانی است که در اضلاع مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در عرصه ملی و بین‌المللی مدنظر است. بر این ابنتا، نقض نظامی از ارزش‌ها در سیاهه قوانین کیفری کشورها تبلور یافته و کیفرگذاری این مهم ضامن بقا و دوام آن است. افزون بر این، بزه‌انگاری و ضمانت اجراگذاری در

سیاست جنایی بین المللی مبتنی بر شاخصه‌های حقوق بشری است که اقتدارگرایی حاکمان نمی‌تواند در برابر آن مقاومت نموده و ایجاد انسداد نماید.

اگرچه سیاست جنایی ترکیبی، متضمن استحاله حقوق کیفری به نفع دیگر رشته‌ها از قبیل حقوق اداری، حقوق صنفی - انضباطی، حقوق پزشکی و... است، اما همچنان هسته مرکزی سیاست جنایی داخلی و بین المللی، حقوق کیفری است. همان گونه که حقوق کیفری به عنوان گرانگاہ سیاست جنایی، ارتباط پیوسته با سیاست‌های عمومی نظام سیاسی هر کشور دارد، از یکسو حق‌ها و آزادی‌های اشخاص را به نام و برای تحقق بخشیدن به حق جامعه بر داشتن امنیت در قالب جرم‌انگاری و کیفرگذاری‌ها محدود می‌کند و از سوی دیگر، چگونگی اجرای آن‌ها را با رعایت حق اشخاص بر داشتن تأمین در چارچوب مقررات آیین دادرسی عادلانه تعریف می‌نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۱۰۹۵). سیاست جنایی ترکیبی نیز در ساحت بین المللی، تنوع پاسخ‌گذاری در عرصه بین المللی را با بهره‌مندی از ظرفیت‌های کنشی - واکنشی، دولتی - جامعه‌وی ملی - بین المللی در قبال جرایم و تخلفات مربوطه با هدف ارتقای هر چه بیشتر کارآمدی در تأمین امنیت جامعه جهانی رقم می‌زند.

در واقع، همان گونه که حقوق کیفری با جرم‌انگاری و کیفرگذاری اعمال، رفتارها و گفتارها، به دنبال حمایت یا ساماندهی حمایت از ارزش‌ها و مصالح خاص جامعه است (همو، ۱۳۹۷: ۴۵۷)، تدابیر واکنشی در سیاست جنایی بین المللی ترکیبی با امعان نظر به استانداردهای جهانی حقوق بشری در نظام ارزشی جهانی شده از یکسو، و اعمال تضمیناتی از قبیل محکومیت، صدور قطعنامه، حمله نظامی، بازداشت و محاکمه برای ناقضان هنجارها از سوی دیگر، با تأکید بر بهره‌گیری از ترکیب همه ظرفیت‌ها در پیوستار طیف‌های مختلف پاسخ‌های واکنشی شکل می‌گیرد.

بدین سان، آن گونه که بزهکاری و خشونت‌های شهری موجب توسعه طبیعی قلمرو فعالیت و حیات بزهکاران در یک کشور است (گسن، ۱۳۹۹: ۸۶)، تسری جرایم بزهکاران فراملی نیز به خارج از قلمرو کشورهای خویش موجب برهم خوردن موازنه امنیت بین المللی و گسترش فضای ناامنی در سراسر جهان می‌شود. با این همه، اگرچه عدالت کیفری به معنای وسیع آن، به عنوان بازوی قهرآمیز و سرکوبگر سیاست جنایی بین المللی

ترکیبی محسوب می‌شود، اما تلاش حداکثری جهت خروج هر چه بیشتر افراد از نظام عدالت کیفری بین‌المللی با تأثیرپذیری از اعمال نهادهای مختلف حقوق کیفری بین‌المللی و در عین حال متحول آن، پیشنهاد و توصیه می‌شود؛ فرایندی که به دنبال تحدید آثار زیانبار مداخله‌های کیفری و کاهش هزینه‌های تحمیلی به جامعه بین‌المللی است.

در این میان، اهمیت تقویت ارتباطات افقی دولت‌ها جهت نظارت غیر رسمی از یکسو و ادغام عمودی بین دولت‌ها و نهادهای ناظر برای کنترل رسمی و بازسازی روابط اساسی دولت‌ها از سوی دیگر (گرامکو و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۱)، در عرصه سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی از اهمیت بسزایی برخوردار است.^۱ برای نمونه، در خصوص همکاری‌های بین‌المللی با دیوان کیفری بین‌الملل در مقابله با جنایات بین‌المللی و مبارزه با بی‌کیفرمانی، دولت‌های عضو اساسنامه معمولاً متعهد به همکاری با دیوان در حوزه تحقیقات از جنایات بین‌المللی هستند و دولت‌های غیر عضو نیز بر اساس بندهای ۵ تا ۷ ماده ۸۷ اساسنامه^۲ یا با سازوکاری دیگر از جمله ورود شورای امنیت به یک وضعیت ناقض صلح و امنیت بین‌المللی، ملزم به همکاری کیفری با دیوان می‌شوند (رضوی‌فرد، ۱۳۹۵: ۴۹۷). لذا سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی در کنار راهبردهای کنشی متعدد، از متغیرهای واکنشی اعم از پاسخ‌های قهرآمیز کیفری، انتظامی و میانجیگری استفاده می‌نماید.

اگر ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی نقض شوند، با پاسخ‌های کیفری به عنوان آخرین حربه مواجه می‌شوند. بر این اساس، با مذاقه در سیاست جنایی بین‌المللی می‌توان آن را متأثر از الگوی آزادی‌مداری دانست که سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی نیز توجیه حداکثری جهت دست یازیدن به مداخله کیفری را مطمح نظر قرار می‌دهد و

۱. همان گونه که کنترل‌های بیرونی ممکن است رسمی و توسط نهادهای عدالت کیفری یا اداری - دولتی به عمل آید و کنترل‌های غیر رسمی توسط خانواده و جامعه مدنی محقق می‌شود (شیری، ۱۳۹۷: ۱۱۶).
۲. کوتاهی، قصور یا امتناع دولت‌ها از همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند منجر به تصمیم شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور باشد (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۳۵). دیوان می‌تواند هر یک از دولت‌های غیر عضو اساسنامه را دعوت به مساعدت بر اساس قرارداد یا توافقنامه‌ای نماید. در صورت امتناع دولت غیر عضو، دیوان می‌تواند موضوع را به اطلاع مجمع دولت‌های عضو یا شورای امنیت برساند.

حقوق انسانی مورد نظر توسط قوانین ملی و بین المللی به رسمیت شناخته شده و ابقا می گردند.^۱

به هر رو، وجود معیارها و ویژگی های جرم انگاری و کیفرگذاری از منظر اسناد بین المللی حقوق بشر در راهبرد ترکیبی سیاست جنایی بین المللی می تواند به عنوان بهترین و مؤثرترین ابزار حمایت از تضمین حقوق و آزادی های اساسی انسان ها باشد. در این شرایط، متولیان سیاست جنایی بین المللی با بهره مندی از راهبرد ترکیبی، صرفاً زمانی به جرم انگاری متوسل می شوند که با دلایل قطعی بتوانند ثابت نمایند که راهی جز مجازات برای تأمین امنیت جامعه بین المللی متصور نیست. لذا جرم انگاری حداقلی و تقلیل جرایم در بند ۲۰ هشتمین کنفرانس سازمان ملل متحد در قسمت مدیریت جزایی و تهیه خط مشی های تعیین مجازات به عنوان یکی از اهداف نظام عدالت کیفری فراملی مطمح نظر قرار گرفته است.

اگرچه مشارکت جامعه بین المللی با نظام قضایی کشور محل وقوع جنایات بین المللی در راستای مقابله هر چه بیشتر با بی کیفر ماندن مجرمان بین المللی رو به گسترش است، اما امروزه با شکل گیری دیوان بین المللی کیفری باید به جای عدالت کیفری بین المللی که با دادگاه های نورنبرگ و توکیو و دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی (موقت) متجلی می شوند، عدالت کیفری جهانی را به کار برد (همو، ۱۳۹۰: ۱۸۰). به عبارت دیگر، پویایی فعالیت های مجرمانه در عرصه بین المللی در قالب جنایات بین المللی و یا جرایم فراملی نظیر قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق اسلحه، پولشویی، تروریسم و... ضرورت تأمین عدالت کیفری جهانی را از نظر شکلی و ماهوی نمایان ساخته است.

در این میان، ارتباط و همزیستی دادگاه های مختلط (بین المللی شده) و دیوان کیفری بین المللی از بیشترین اهمیت برخوردار است. هدف آن است که الگوی مختلط و ترکیبی

۱. در میان اسناد بین المللی می توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حمایت از تمامی افراد در برابر شکنجه و سایر مجازات ها یا رفتارهای خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده، اعلامیه سازمان ملل متحد در خصوص الغاء تمامی انواع تبعیض نژادی، کنوانسیون بین المللی سرکوب و مجازات جرم آپارتاید، کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی، قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان و کنوانسیون روابط کنسولی وین اشاره نمود.

بتواند با رفع خلأهای موجود در عدالت کیفری بین‌المللی و داخلی به عنوان یک مکمل مناسب و توسعه‌دهنده (و نه به عنوان یک شیوه جایگزین) برای دیوان کیفری بین‌الملل و محاکم ملی در جهت مقابله با بی‌کیفرمانی عمل کند (میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۷: ۲۸). اما به همان موازات استانداردها و هنجارهای سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری، با اعلام قواعد ترکیبی بین‌المللی، اجرای بی‌طرفانه آن‌ها را از دولت‌ها خواستار شده است. بر این ابنا، ماده ۵۷ اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمان، ژنو ۱۹۹۵، در خصوص نحوه برخورد با زندانیان و حس‌گرایی حداقلی اشعار می‌دارد:

«زندانی کردن و سایر تدابیری که نتیجه آن، قطع ارتباط مجرم با دنیای خارج است، شخص را از حق تعیین سرنوشت خود از طریق محرومیت از آزادی محروم می‌کند و این واقعیتی بسیار زیانبار است. بنابراین مجازات زندان جز در موارد استثنایی از قبیل مواردی که لازمه منطقی آن، توجیه‌پذیر شدن تفکیک و جداسازی محکومان از دنیای خارج است، یا بقای نظم مقتضی آن است، نباید به حبس منجر شود».

بی‌شک اجرای این مقرره توسط کشورها منجر به کاهش جمعیت کیفری و حمایت از جامعه علیه جرم با اجرای مجازات حبس در موارد استثنایی خواهد بود.^۱ در این میان بر اساس ماده ۹۴ قواعد و اصول مذکور سازمان ملل متحد در خصوص محبوسان ناشی از محکومت‌های مالی، بر عدم محدودیت یا فشار زائد بر آن‌ها تأکید و تصریح شده است که نحوه تعامل با آن‌ها نباید از اشخاص زندانی محاکمه‌نشده (افراد) که در بازداشت موقت به سر می‌برند، نامطلوب‌تر باشد... بر این اساس، ماده ۵ قانون نحوه اجرای محکومت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، بر تفکیک محکومان مالی از محکومان کیفری تصریح نموده و زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسان متقاضی از طریق همکاری قوه قضاییه و دولت پیش‌بینی نموده است.

۱. ماده ۶۵ نیز تصریح می‌دارد: «نحوه تعامل با اشخاصی که به کیفر حبس یا سایر تدابیر محکوم شده‌اند، با توجه به اینکه مدت محکومیت به چه میزان، امکان اعمال آن را فراهم می‌کند، باید با توجه به اهداف اجرای آن، زندانیان را به سوی رعایت قانون و خودگردانی زندگی شخصی پس از آزادی سوق دهد و آن‌ها را برای این کار آماده نماید. این تعامل باید به مواردی از قبیل تشویق وی به تقویت حس احترام و شأن برای خود و تقویت احساس مسئولیت‌پذیری متمرکز گردد».

افزون بر این، بند ۱۱ از اصول کلی مجموعه قواعد استاندارد حداقل توکیو در زمینه تدابیر غیر بازداشتی، ترویج استفاده از جایگزین‌های سلب آزادی اعم از بازداشت و حبس، تضمین‌های حداقل برای اشخاص موضوع جایگزین‌های زندان و استحاله عدالت تنبیهی به نفع سازوکارهای عدالت ترمیمی، رویکرد کیفرزدایی و جرم‌زدایی را به مناسبت در سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی رقم می‌زند.

در بندهای ۱ و ۲ از ماده ۸ قواعد موصوف تصریح شده است که مقام قضایی حسب تشخیص خود، در جاتی از تدابیر غیر سالب آزادی را به شرح آتی در اختیار خواهد داشت تا در تصمیم‌سازی راجع به نیازهای بازپروری مجرم، حمایت از جامعه و منافع بزه‌دیده که وی در مواقع مناسب مورد مشورت نیز قرار می‌گیرد، مدنظر قرار دهد. الف- ضمانت اجرای شفاهی از قبیل وعظ، توبیخ، هشدار؛ ب- آزادی مشروط؛ پ- کیفرهای مناسب وضعیت ویژه فرد؛ ت- ضمانت اجراهای شفاهی از قبیل جریمه نقدی و جریمه نقدی روزانه؛ ث- مصادره یا دستور سلب مالکیت؛ ج- پرداخت غرامت به قربانی یا دستور جبران خسارت؛ چ- مجازات تعلیقی یا تعویقی؛ ح- تعلیق مراقبتی و نظارت قضایی؛ خ- دستور به خدمات اجتماعی؛ د- ارجاع به یک مرکز حضور؛ ذ- حبس در منزل؛ ر- سایر رفتارهای غیر سالب آزادی؛ ز- ترکیب تدابیر فهرست شده فوق.

همچنین راهبرد سیاست جنایی ترکیبی در عرصه بین‌المللی به دنبال توسل به سایر پاسخ‌های ترمیمی و دیگر اقدامات با تأثیرپذیری از راهبرد ترکیبی بین‌المللی است. اعمال نظرات و ملاحظات بزه‌دیدگان توسط نمایندگان قانونی ایشان با استناد به بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان در مراحل مختلف دادرسی که توسط دیوان کیفری بین‌المللی مناسب تشخیص داده می‌شود، به نحوی که منافی یا معارض حقوق متهم و دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه نباشد، مبین حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی با زمینه‌های ترمیمی است^۱ (غلامی و رستمی غزالی، ۱۳۹۲: ۴۸). افزون بر این، شناسایی دولت‌ها در کنار محکوم علیه به عنوان جبران‌کنندگان خسارت و امکان صدور حکم بر محکومیت دولت‌ها

۱. مفهوم بزه‌دیده در دیوان کیفری بین‌المللی، با پذیرش بزه‌دیدگان غیر مستقیم در قلمرو قربانیان، در مقام مقایسه با دادگاه‌های اختصاصی توسعه یافته است و میزان فاصله از خاستگاه بزه‌دیدگی، بر شناسایی یک شخص به عنوان بزه‌دیده بی‌تأثیر است (رضوی فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۷۵).

در جبران خسارت بزه‌دیده نیز در سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی مدنظر قرار می‌گیرد. بدین‌سان، اکنون برنامه‌های ترمیمی در بسیاری از کشورها در قالب نشست‌های گروهی خانوادگی، میانجیگری، آشتی‌سازی مجدد، شرمساری بازپذیرنده و... به مورد اجرا گذارده می‌شود. در کانادا، استرالیا، نیوزیلند و بسیاری از کشورهای اروپایی و دیگر کشورها، برنامه‌های ترمیمی به مورد اجرا گذارده می‌شود (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). در جمهوری اسلامی ایران نیز شکل‌گیری شوراهای حل اختلاف با تأثیرپذیری از آموزه‌های دینی مبنی بر اهمیت جایگاه مصالحه و رفع خصومت و تأکید قانون آیین دادرسی کیفری بر جهد قاضی در راستای اصلاح ذات‌البین با رویکرد ترمیمی قرابت دارد.

بدین‌ترتیب، سیاست جنایی سازمان ملل متحد برای تدارک و تنظیم اصول اساسی و جهت‌گیری‌های اصلی سیاست جنایی دولت‌های عضو، ترویج آن در سطح بین‌المللی و ارتقای همکاری هماهنگ دولت‌ها نسبت به تهیه اسناد بین‌المللی اقدام نموده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۲۹۴). بی‌تردید پیشبرد و استفاده از مفاد این اسناد در طراحی و تدوین سیاست جنایی ترکیبی دولت‌ها در راستای حصول همکاری‌های بین‌المللی جهت مبارزه مؤثر علیه جرم و پیشگیری از بزهکاری و در نتیجه بهبود کارایی راهبرد دولت‌ها در مهار پدیده بزهکاری مطمح‌نظر خواهد بود.

بدین‌سان، راهبرد ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی که به صورت قطعنامه، توصیه‌نامه، اعلامیه و... عینیت می‌یابد، از یکسو نظام کیفری را به عنوان مرکز ثقل کنترل بزهکاری در نظر دارد، اما از سوی دیگر استفاده از سایر نظام‌های حقوقی را در کنار ضرورت مشارکت جامعه غیر رسمی اعم از مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست جنایی به جامعه بین‌المللی و دولت‌های عضو سازمان ملل متحد توصیه نموده است. بی‌شک صیانت از هنجارهای بین‌المللی مستلزم دگردیسی سیاست جنایی در توسعه دامنه ارزش‌گذاری و ضمانت اجراگذاری در قالب سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی ساختارمند است که می‌تواند منتج به دستاوردهای حداکثری در قبال بزهکاری شود (دارابی، ۱۳۹۹: ۷۳). از این رو، استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در پاسخ‌گذاری دولت‌ها نسبت به مراعات اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های غیر کیفری، شبه‌قضایی و غیر قضایی از اهمیت بسزایی برخوردار است که تبلور این مهم در قلمرو

کیفری سیاست جنایی بین‌المللی به اشکال متنوع است.

۲-۲. پاسخ‌های در حکم کیفری

راهبرد ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی به دنبال بهره‌مندی از سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی در ایجاد الزام معنوی یا عینی برای دولت‌ها در تخطی از ارزش‌های مشترک بین‌المللی اعم از هنجارگذاری شده (قوام‌یافته) یا قوام‌نیافته است؛ آن‌چنان که در راستای اعمال اصول دادرسی عادلانه، محدوده مقوله‌های کیفری و مقوله‌های غیر کیفری (در حکم کیفری) را با ضمانت اجراهای تحدیدگر و سرکوبگر در بر می‌گیرد. بدین‌سان، قلمرو کیفری که در رویه قضایی اروپایی، حاصل تعامل حقوق کیفری کلاسیک با مقوله‌های حقوق بشر است و جنبه حمایت از حقوق و آزادی‌های افرادی را دارد که به مناسبت ارتکاب بزه باید محاکمه شوند، شامل ضمانت اجراهای سرکوبگر غیر کیفری، به ویژه ضمانت اجراهای اداری نیز هست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۱۷) و ضمانت اجراهای غیر کیفری را از منظر رعایت حقوق دفاعی متهم در آیین دادرسی کیفری همسان با مقوله کیفری می‌پندارد.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز با استناد به ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، عدول از حق برخورداری افراد از یک دادرسی منصفانه توسط دولت‌های متعاقد را تخلف‌انگاری نموده و تضمینات لازم را برای جلوگیری از تضییع حقوق افرادی که تحت حاکمیت آن‌ها به سر می‌برند، پیش‌بینی می‌نماید.

برای نمونه، در خصوص حق دسترسی برابر به دادگاه و رعایت اصل برابری سلاح‌ها^۱ دیوان اروپایی حقوق بشر، تفسیر موسعی از حق دریافت کمک قانونی در پرونده‌های مدنی ارائه نموده است؛ به طوری که در پرونده استیل و موریس^۲ علیه دولت بریتانیا، فقدان کمک‌های قانونی را تخطی از ماده ۶ کنوانسیون محسوب نموده و در پرونده دینت^۳ علیه دولت فرانسه، غیر علنی بودن دادرسی در خصوص پرونده‌های انتظامی پزشکی را در مرحله بدوی تخلف قلمداد نموده و رسیدگی علنی به آن در مرحله

1. Equality of arms.
2. Steel & Morris.
3. Diennet.

تجدیدنظر را جبران‌کننده تضييع حقوق متهم ندانسته است (مهديوي، ۱۳۹۳: ۶۵). لذا نقش رويه قضايي ديوان اروپايي حقوق بشر با تفسيري موسع از ماده ۶ کنوانسيون در پرتو مؤلفه‌هايي مانند كيفري تلقی نمودن تخلف ارتكابي در حقوق داخلي، ماهيت و آثار ضمانت اجراي غير كيفري از يكسو، و در سطح جهاني تفاسير كلي كميتة حقوق بشر به عنوان نهاد نظارتي ميثاق بين‌المللي حقوق مدني و سياسي ۱۹۶۶ به عنوان منبع ارشادي از سوي ديگر، در توسعه مرزهاي پاسخ‌گذاري تركيبی سياست جنايي بين‌المللي از حقوق كيفري تا مصاديق در حکم كيفري حائز اهميت است.

بدین‌سان، گسترش تضمینات دادرسی کیفری به رسیدگی‌های اداری بر مبنای شباهت کارکردی با دادگاه‌های قضایی و ماهیت همسان در برخی ضمانت‌اجراهای تعیین‌شده توسط آن‌ها با مجازات‌های کیفری توجیه می‌گردد. در برخی موارد، آثار مالی، محرومیت، ممنوعیت و همچنین آثار غیر مستقیم یک مجازات اداری یا انضباطی می‌تواند دارای اهمیت بیشتری نسبت به برخی مجازات‌های کیفری برای شخص در معرض این مجازات‌ها باشد (بابایی، ۱۳۹۲: ۶۱). تردیدی نیست که حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان در مرحله نخست، از آن مراجع قضایی ملی است؛ لکن تخلف از این مهم و سوء عملکرد دادگستری و مراجع داخلی به این تخلف، سبب شده است که شهروندان کشورهای عضو آن کنوانسیون، با احساس تضييع حقوق یا آزادی‌های خود و عدم رسیدگی در مراجع داخلی، به سوی ديوان اروپايي حقوق بشر روانه شوند (آشوري و ديگران، ۱۳۹۵: ۳۲۷). با این وصف، راهبرد ترکیبی در سياست جنايي بين‌المللي تخلف دولت‌ها را در نادیده انگاشتن حقوق دفاعی متهم با پاسخ فراملی هنجارگذاري نموده است؛ آن‌چنان که تلاش دولت‌ها برای به ظاهر جرم‌زدایی و اداری قلمداد نمودن اعمالی که ضمانت اجرای تحدیدگر و سرکوبگر داشته را در

۱. سازمان عفو بین‌الملل نیز با فعالیت در زمینه حقوق بشر، از پایمال شدن حقوق انسان‌ها در سراسر دنیا جلوگیری می‌کند و در نهایت خواستار برقراری عدالت درباره افرادی می‌شود که حقوق ایشان به هر نحوی پایمال شده است. اعتراض گروهی از فعالان حقوق بشر عضو سازمان عفو بین‌الملل به وضعیت زندگی زندانیان در بازداشتگاه گوانتانامو، با متوجه نمودن افراد به مسائل حقوق بشر و معیارهای جهانی، تا حد ممکن فشار را بر دولت‌هایی که اجازه سوءاستفاده در کشور خود را می‌دهند، افزایش می‌دهد (Ron & Ramos & Rodgers, 2005: 574).

پوشش رسیدگی‌های غیر کیفری و اداری - انتظامی برتابیده است، به نحوی که دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان مرجع رویه‌ساز منطقه‌ای با وضع عنوان «قلمرو کیفری» در رویه قضایی خود رعایت تشریفات دادرسی منصفانه را در رسیدگی‌های اداری - انضباطی به دولت‌ها تکلیف کرده است.^۱

بدین‌سان، اکنون اصل قانونمندی شکلی و رعایت تضمین‌های حقوق کیفری در رسیدگی‌های اداری هم رعایت می‌شود (دلما س مارتی، ۱۳۹۸: ۸۳). در این میان، مراجع اختصاصی بین‌المللی خارج از سازوکارهای قضایی تشکیل شده در کشورها، رسیدگی به اختلافات و شکایات شهروندان را از تخلفات دولت‌ها در ساحت‌های قضایی از یکسو، و تخلف دولت‌ها را در سایر حوزه‌های سیاسی اقتصادی از سوی دیگر، پاسخ‌گذاری می‌نمایند.

موضوع پاسخ‌های انتظامی و قلمرو کیفری در سیاست جنایی بین‌المللی، ترکیبی از دو وجه قابل بررسی است؛ از یکسو واکنش‌های سرکوبگر غیر کیفری است که در عرصه بین‌المللی نسبت به متخطیان اعمال می‌شود، و از سوی دیگر ضرورت صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین است که گاهی دولت‌های متعاهد بدون جرم‌انگاری و کیفرگذاری یک رفتار، آن را بزه‌انگاری اداری، انضباطی می‌کنند تا از اعمال دادرسی منصفانه و تضمین حقوق دفاعی متهم که در آیین دادرسی کیفری معمول است، خودداری ورزند.

بدین ترتیب از دیدگاه دیوان اروپایی، دادگاه مفهومی مستقل و فراتر از تعاریف ملی به خود می‌گیرد و می‌تواند به دادگاه‌های نظامی، نهادهای انضباطی، زندان‌ها یا نهادهای انضباطی حرفه‌ای نیز اطلاق شود؛ زیرا در مورد آن‌ها آنچه مدنظر است،

۱. از میان اسناد بین‌المللی تعهدآور، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از جایگاه مهمی برخوردار است که به دلیل وجود برخی ویژگی‌های مهم آن مانند: وجود ارگان قضایی کنترل رعایت مقررات کنوانسیون به وسیله کشورهای عضو، امکان اعتراض و شکایت مستقیم افراد نزد دیوان اروپایی، سازوکار اجرای مؤثر تصمیمات دیوان و وجود رویه قضایی بسیار غنی آن در تبیین حدود و ثغور تضمینات یادشده و همچنین قلمرو دعاوی مشمول آن، بررسی مباحث مربوط به دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های غیر کیفری براساس کنوانسیون و آراء دیوان اروپایی حقوق بشر برای ابهام‌زدایی از بایسته‌های رسیدگی‌های غیر کیفری راهگشا خواهد بود (بابایی، ۱۳۹۲: ۵۹).

عملکرد قضایی این مراجع است، بدون توجه به دیگر وظایف و عملکردهایی که می‌توانند داشته باشند. لذا دادگاه لزوماً به یک مرجع قضایی مصطلح اطلاق نمی‌شود و آنچه مناط اعتبار است، کارکرد و عملکرد قضایی آن است که این مهم در راهبرد ترکیبی سیاست جنایی بین‌الملل، متضمن الزام معنوی و حسب مورد مادی برای دولت‌های ناقضی است که در مراعات حق دادرسی عادلانه مطابق بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان گرانگه تضمینات آیین دادرسی کیفری، مرتکب قصور یا تقصیر شده‌اند.

افزون بر این، تأثیر نهادهای نظارتی بین‌المللی و اتخاذ پاسخ‌های غیر قهرآمیز در ساحت‌های مختلف همچون تحقق مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل،^۱ حقوق محیط زیست، خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل، تعلیق عضویت، تعلیق حق رأی، اخراج و... بازدارندگی معتنا بهی دارند.

برای نمونه، ضمانت اجرای انتظامی در عرصه حقوق بین‌الملل متضمن مجازات‌هایی مانند تعلیق عضویت، تعلیق حق رأی و اخراج است که در حوزه صلاحیت‌های سازمان‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد (توحیدی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۲). بدین‌سان، این قسم از واکنش‌های ترکیبی که با رعایت تقدم و تأخر نسبت به میزان نقض تعهدات رفتاری دولت متخطی اتخاذ می‌شود، می‌تواند جلوه‌ای از اقتدار سازمان‌ها و راهکاری بازدارنده برای صیانت از نظم جامعه بین‌المللی محسوب شود.

در نهایت، هر عضو ملل متحد که بر نقض و تخطی از اصول مطروحه در منشور ملل متحد تأکید ورزد، به موجب ماده ۶ با تصمیم مجمع عمومی و توصیه شورای امنیت می‌تواند از سازمان اخراج شود. بدیهی است متولیان سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی نیز با تأسی از فرایند آگاهانه و هدفمند، تلفیق انواع پاسخ‌ها را با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های غیر قهرآمیز با تأکید بر حفظ روحیه همکاری دولت‌ها مطمح نظر داشته و با رعایت ترتب تدابیر کنشی افزایشی به اقدامات واکنشی توان‌گیر در

۱. از جمله عوامل بازدارنده نقض مقررات بین‌المللی، مفهوم مسئولیت دولت است که خود از سازوکارهای نظم عموم در حقوق بین‌الملل است و ناشی از فعل یا ترک فعلی است که منتهی به نقض یک تعهد یا تکلیف بین‌المللی می‌شود و قابل انتساب به یک دولت است (مافی، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

ساحت بین المللی دست می یازند.

بنابراین همان گونه که در نظام عدالت کیفری داخلی، ناتوان سازی مجرمان به کارکرد کیفی های بدنی محدود نیست و گستره گوناگونی از ضمانت اجراهای کیفری همچون تعلیق مراقبتی، صلاحیت زدایی، خدمات عمومی رایگان و... نیز می توانند ناتوان سازنده باشند (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۱۷۵)، در عرصه بین المللی نیز تنوع و ترکیب راهبرد مطلوب سازمان ملل متحد برای دولت های عضو ناسازگار منجر به توسعه ابزارهای تنبیهی و جهت گیری های بدیع در قلمرو سیاست جنایی بین المللی ترکیبی بوده است.

با این همه، لازم است سازوکارهایی جهت رسیدگی عادلانه به تخلفات دولت های متخطی در سیاست جنایی بین المللی ترکیبی جهت جلوگیری از خودکامگی یا استبداد برخی دولت ها در تصمیم گیری، که از قدرت بیشتری در عرصه بین المللی برخوردارند، مناط اعتبار قرار گیرد.

نتیجه گیری

اگرچه لازمه تحقق حکمرانی و استقلال کشورها، عدم تفوق مرجع برتر از حاکمیت دولت هاست و این مهم، فرایند بین المللی شدن سیاست جنایی بین المللی را در برخی حوزه ها تحت الشعاع قرار می دهد، اما وضع قواعد حقوقی توأم با ضمانت اجرا در عرصه حقوق بین الملل و سیاست جنایی بین المللی، دستاورد یک روند انکارناپذیر و تکاملی در بستر زمانی بوده است. در این میان، راهبرد ترکیبی در پهنه سیاست جنایی بین المللی می تواند با ترویج اسناد و اندیشه های بین المللی که متضمن پاسداشت کرامت انسانی و آموزه های حقوق بشری در قالب اقدامات کنشی است از یکسو، و بهره مندی از ظرفیت نهادهای الزام آور و مداخله کننده در اعمال متغیرهای کیفری از سوی دیگر، به پاسخ دهی به پدیده بزهکاری بین المللی بپردازد.

بازاندیشی در خصوص مفهوم سیاست جنایی بین المللی با تأکید بر راهبرد ترکیبی، به معنای تضعیف ماهیت سیاست جنایی داخلی و حاکمیت کشورها نیست؛ بلکه این مهم متضمن مشارکت همه ملل در مقابله با پدیده بزهکاری بین المللی به عنوان یک

جامعه واحد می‌باشد. روشن است که رعایت قاعده از سهل تر به سهل و از سخت به سخت تر رفتن در حوزه پاسخ‌گذاری ترکیبی در سیاست جنایی بین‌المللی مناط اعتبار بوده است؛ آن‌چنان که در ماده ۲(۳) منشور سازمان ملل متحد، بر تکلیف دولت‌ها به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی جهت جلوگیری از به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت کیفری تصریح شده است و منع توسل به زور نیز در روابط بین‌المللی به عنوان یک قاعده آمره در عرصه حقوق بین‌الملل مطرح نظر قرار گرفته است.^۱ لذا عدم تمرکز بر پاسخ‌های کیفری بین‌المللی و تأکید بر پویایی و تکثر پاسخ‌های اتخاذی از جانب متولیان سیاست جنایی بین‌المللی با استفاده از راهبرد ترکیبی مطرح گردیده و پهنه بزه‌انگاری، پاسخ‌گذاری و فرایند دادرسی را به بدیل‌های تلفیقی با الگویی جامع در سیاست جنایی بین‌المللی رهنمون ساخته است.

راهبرد سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی به دنبال مقابله با بزهکاری ملی و فراملی به ویژه جنایات چهارگانه مندرج در اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری، جرایم تروریستی، جرایم سازمان‌یافته، جرایم اقتصادی، پولشویی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، تأمین مالی تروریسم^۲ و... می‌باشد که ترسیم براین تفکر دولت‌ها نسبت به پدیده بزهکاری و مهندسی این مهم را به نحو شایسته سامان می‌بخشد.

سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی از حیث انطباق با الگوهای مرجع سیاست جنایی، انطباق حداکثری با الگوی مردم‌سالار دارد^۳ که با استحالته هسته مرکزی سیاست جنایی بین‌المللی یعنی حقوق کیفری، به نفع متغیرهای متنوع بدیل، کشورها را به سوی برهم کنش ایجابی و توان‌افزا در برابر بزهکاری معطوف می‌نماید. در این میان،

۱. اگرچه در پایان قرن نوزدهم و به ویژه پس از جنگ جهانی اول، جامعه بین‌المللی عزم خود را بر کیفردهی مرتکبان جرایم بین‌المللی جزم کرد، در دهه‌های اخیر، روند بین‌المللی شدن حقوق کیفری شتاب بیشتری یافته است (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۱۹).
۲. مشهورترین گروه‌های تروریستی که اقدام به تأمین مالی خود از راه‌های پولشویی و جذب حمایت مالی از افراد، نهادها و دولت‌ها می‌نمایند، عبارت‌اند از: داعش، طالبان، القاعده، جبهه النصره که با انجام فعالیت‌های رسانه‌ای در کشورهای غربی - اروپایی، موفق به جذب نیرو و کمک‌های مالی از این کشورها شده‌اند (وزیری و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۹: ۱۷۵).
۳. همان گونه که سیاست جنایی داخلی دولت‌ها به یک یا چند الگوی سیاست جنایی قربت پیدا کرده و ارجاع می‌دهد (لازرژ، ۱۴۰۰: ۹۰).

پاسخ‌دهی به نحو همگراییِ سلبی و توان‌گیر میان واضعان سیاست جنایی بین‌المللی و داخلی در خصوص جرایمی که مورد وفاق دولت‌ها از حیث شدت و دامنهٔ آسیب به جامعهٔ ملل است، مورد تصدیق و تأیید قرار می‌گیرد^۱ که زمینهٔ پیشگیری علمی از جرم، مراعات حقوق دفاعی متهم، مساعد نمودن توسل به اقدام‌های غیر سالب آزادی، ضمانت اجراهای انتظامی، علت‌شناسی بزهکاری، بازپذیرسازی بزهکاران و در نهایت مجازات را حسب مورد در پیوستار سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی تجویز می‌نماید. اهمیت جایگاه بزه‌دیده نیز در راهبرد ترکیبی بین‌المللی فزونی یافته و در مراحل مختلف محاکمات کیفری بین‌المللی توجه بیشتری به آن می‌شود.

بی‌شک آموزه‌های حقوق بشری و فرایند جهانی شدن منجر به استحالهٔ حاکمیت ملی شده است؛ لذا بی‌توجهی کشورها در انطباق مقررات داخلی با اسناد بین‌المللی و رهیافت‌های علمی سیاست جنایی بین‌المللی ترکیبی، منجر به افول سیاست جنایی ملی و ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در عرصهٔ ملی و فراملی خواهد بود. همچنین همسویی نسبی در چارچوب مقررات و آموزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داخلی، شرایط پویایی و پایایی کشورها را در روابط با سایر ملل و جامعهٔ داخلی از یکسو و مهار پدیدهٔ بزهکاری از سوی دیگر فراهم می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بر این ابتدا، کنوانسیون‌ها، قطع‌نامه‌ها، اصول راهبر و قواعد و مقرره‌های بین‌المللی به دنبال ایجاد نوعی توازن میان حقوق بزهکاران، حقوق بزه‌دیدگان و نیازهای امنیتی جوامع هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۹: ۲۴۸).

کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، حسین بشیریه، سیدمحمد هاشمی، و عبدالمجید یزدی، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، زیر نظر محمد آشوری، تهران، خرسندی، ۱۳۹۶ ش.
۲. ابراهیمی، شهرام، «پیشگیری از تکرار جرم از طریق هوش مصنوعی؛ مقتضیات و محدودیت‌ها»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره نوزدهم، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۴۰۱ ش.
۳. همو، *جرم‌شناسی پیشگیری*، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۴. همو (برگردان)، *مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم*، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۵. اردبیلی، محمدعلی، «همکاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، سال دهم، شماره ۴۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶ ش.
۶. اشرفی، داریوش، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال پانزدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۳ ش.
۷. بابایی، احسان، *رسیدگی‌های غیرکیفری در ریزه‌آصول دادرسی منصفانه؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر*، به راهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ ش.
۸. بابایی، محمدعلی، «جهانی شدن جرم: ضرورتی بیش روی مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۹. بارانی، محمد، *پیشگیری از جرایم جهانی؛ تمهد بین‌المللی دولت‌ها*، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. توحیدی‌فر، محمد، *ضمانت اجراهای کیفری منشور ملل متحد*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. جمشیدی، علیرضا، *سیاست جنایی مشارکتی*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. دارابی، شهرداد، «راهبرد ترکیبی در مدل‌های مردم‌سالار و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی»، *فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال سیزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۱ ش.
۱۳. همو، «سیاست جنایی ترکیبی ایران در برابر بزهکاری زیست‌محیطی»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، سال هفدهم، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۴. دل‌ماس - مارتی، می‌ری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۱۵. دولاکواستا، خوزه لوئیس، «سیاست جنایی اروپا: نمونه‌ای از بین‌المللی شدن حقوق کیفری در سطح منطقه‌ای»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مقاله در: *علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)*، چاپ ششم، تهران، سمت، ۱۳۹۶ ش.
۱۶. رایجیان اصلی، مهرداد، *کلیات جرم‌شناسی: محتوا و تحول؛ از دیروز تا امروز*، تهران، نگاه معاصر، ۱۴۰۱ ش.
۱۷. رضوی‌فرد، بهزاد، «بازتولید اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق کیفری بین‌المللی»، در: *دایرة‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۱۸. همو، «حقوق بین‌الملل کیفری و زمینه‌های شکل‌گیری یک سیاست جنایی بین‌المللی»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۱۹. همو، «محدوده‌ها و جلوه‌های همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی با نگاهی به موقعیت جمهوری

- اسلامی ایران»، مقاله در: علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری های بین المللی (مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تانیاخ)، به کوشش حسین غلامی، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲۰. رضوی فرد، بهزاد، و محمد فرجی، «بایستگی جرم انگاری جرایم بین المللی و الگوهای آن»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۲، بهار ۱۳۹۶ ش.
۲۱. رضوی فرد، بهزاد، و مرضیه دیرباز، «حمایت های حقوقی دیوان کیفری بین المللی از بزه دیدگان»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۲۲. زینالی، امیر حمزه، جهانی شدن حقوق کیفری (در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی)، تهران، میزان، ۱۳۹۴ ش.
۲۳. شاملو، باقر، و عارف خلیلی پاجی، «رویکرد ریسک مدار سیاست جنایی در برابر پولشویی»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال یازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۲۴. شاو، مارگارت، «الگوهای بین المللی پیشگیری از جرم»، برگردان شهرداد دارابی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال یازدهم، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۴ ش.
۲۵. شیری، عباس، «سیاست گذاری جنایی از کنترل درونی تا کنترل بیرونی جرم»، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۲۶. غلامی، حسین، اصل حداقل بودن حقوق جزا، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۲۷. همو، عدالت ترمیمی، چاپ هشتم، تهران، سمت، ۱۳۹۸ ش.
۲۸. همو، کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ شناسی جرم، دیپاچه هانس یورگ آلبرشت، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۹۹ ش.
۲۹. غلامی، حسین، و امید رستمی غازانی، «زمینه های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۳۰. گرامکو، هایک بی.، جک گرین، اینک مارشال، و لیزا بارو، حقوق و سیاست گذاری کارآمد (سیاست گذاری جنایی برای جامعه آسیب دیده)، ترجمه حسین غلامی، تهران، انتشارات ریاست جمهوری، ۱۴۰۰ ش.
۳۱. گسن، رمون، جرم شناسی خیزش های اجتماعی (در باره خیزش های اجتماعی خشونت آمیز حومه های حساس شهرهای فرانسه)، برگردان و پژوهش شهرام ابراهیمی، تهران، میزان، ۱۳۹۹ ش.
۳۲. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۳۳. مافی، همایون، «تأملاتی در باب ضمانت اجرا از منظر حقوق بین الملل عمومی»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق تطبیقی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۴. مهدوی، داور، قلمرو کیفری در حقوق ایران (دادرسی عادلانه در رسیدگی های غیر قضایی)، دیپاچه محمدعلی بابایی، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۳۵. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، چاپ هفتم، تهران، میزان، ۱۴۰۱ ش.
۳۶. میرمحمدصادقی، حسین، و علی رحمتی، «ارتباط و همزیستی دادگاه های مختلط (بین المللی شده) با دیوان کیفری بین المللی و محاکم ملی»، دوفصلنامه آموزه های حقوق کیفری، سال پانزدهم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از حقوق جنایی تا علوم جنایی»، دیپاچه در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ ششم، تهران، سمت، ۱۳۹۶ ش.

۳۸. همو، «بین‌المللی - اساسی شدن اصول حقوق کیفری»، مقاله در: *دانشنامه سیاستگذاری حقوقی*، به کوشش لعیا جنیدی و امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۹ ش.
۳۹. همو، «تحولات جرم‌شناسی بزهکاری یقه سفیدها»، دیپاچه در: دارابی، شهرداد، *بزهکاری یقه سرخ‌ها*، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۴۰. همو، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم»، مقاله در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و حمید هاشم‌بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۷ ش. (الف)
۴۱. همو، «جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی»، دیپاچه در: سمولرز، آلت، و رولف هاومن، *جرم‌شناسی فراملی؛ به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، ترجمه گروهی از پژوهشگران علوم جنایی، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۴۲. همو، «حقوق کیفری آرایی سیاست جنایی در پرتو راهبردهای سیاست عمومی»، مقاله در: *حقوق کیفری بویا (مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی)*، به کوشش نسرين مهرا و امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۴۰۱ ش.
۴۳. همو، «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی»، مقاله در: استادان و پژوهشگران علوم جنایی، *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۷ ش. (ب)
۴۴. همو، «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۵ ش.
۴۵. همو، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، بهار ۱۳۷۳ ش.
۴۶. وزیري، وحید، و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، «بررسی جرم‌شناختی تأمین مالی تروریسم»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال یازدهم، شماره ۴۳ (ویژه‌نامه)، تابستان ۱۳۹۹ ش.
47. Keenan, Patrick J., "The New Deterrence: Crime and Policy in the Age of Globalization", *Iowa Law Review*, Vol. 91(2), January 2006.
48. Ron, James & Howard Ramos & Kathleen Rodgers, "Transnational Information Politics: NGO Human Rights Reporting, 1986-2000", *International Studies Quarterly*, Vol. 49(3), September 2005.